دورهٔ بیکاری و عوامل مؤثر بر آن شواهدی از بیکاران جویای کار استان یزد طی برنامهٔ سوم توسعه

محمد علی فیض‌پور*

طرح مسئله: *بیکاری، اگرچه موضوعی است که همواره از آن به عنوان معضلی اقتصادی ـ اجتماعی یاد گردیده و سعی می‌شود تا دلایل بروز آن با استفاده از تئوری‌های متفاوتی تبیین گردد اما، آن‌چه بیش از این موضوع اهمیت دارد طول دوره‌ای است که طی آن فرد بیکار به دنبال شغل است. بر این اساس، می‌توان حتی شرایطی که در آن نرخ بیکاری بالا با دوره‌های بیکاری کوتاه مدت اتفاق می‌افتد را تصور نمود و ازاین‌رو، شناسایی عوامل مؤثر بر طول دورهٔ بیکاری و در نتیجهٔ تئوری‌هایی که بتواند تبیین‌کنندهٔ چنین موضوعی باشد از اهمیت به سزایی برخوردار است. مسئله‌ای که دست‌یابی به پاسخ آن، هدف اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد.*

روش: *داده‌های این پژوهش از طریق مطالعه‌ای میدانی و با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه از نمونه‌ای با حجم ٤٢٦ از جامعهٔ ٦٨٠٩٦ نفری که به عنوان افرادِ بیکارِ جویای کار در یکی از ادارات کار و امور اجتماعی استان یزد طی دورهٔ زمانی سال‌های برنامهٔ سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) ثبت نام نموده‌اند، جمع‌آوری گردیده و با استفاده از مدل‌های وایبل، نمایی، لگ نرمال و لگ لجستیک تحلیل گردیده است.*

یافته‌ها: *بر اساس یافته‌های این پژوهش، در میان مدل‌های وایبل، نمایی، لگ نرمال و لگ لجستیک، مدل لگ لجستیک مدل مناسب‌تری جهت تحلیل دورهٔ بیکاری محسوب گردیده و بر این اساس، متغیرهای سن (با تأثیر مثبت)، تعداد افراد تحت تکفل، تجارب شغلی و سطح تحصیلات (با تأثیر منفی)، دارای تأثیری معنی‌دار بر دورهٔ بیکاری است. این بدان معنی است که متوسط دورهٔ بیکاری با سطح تحصیلات رابطه‌ای معکوس داشته و تجاربِ شغلی افراد جویای کار، این متوسط را کاهش می‌دهد. بر خلاف تصور، نتایج این پژوهش مبین آن است که وضعیت تأهل و جنسیت افراد جویای کار، متوسط زمان بیکاری را تحت تأثیر قرار نداده و بر این اساس، نمی‌توان تمایز معنی‌داری را بین متوسط دورهٔ بیکاری زنان و مردان مشاهده نمود.*

نتایج: *لازمهٔ موفقیت سیاست‌هایی که در راستای کاهش دورهٔ بیکاری در کشور به‌کار گرفته می‌شود توجه اساسی به ویژگی‌های سنی، آموزشی، مهارتی و جمعیتی جامعهٔ هدف است.*

کلیدواژه‌ها: استان یزد، برنامهٔ سوم توسعه، بیکاران جویای کار، دورهٔ بیکاری، مدل لگ لجستیک

تاریخ دریافت: **۸۶/۱۱/۲۹** ***تاریخ پذیرش:*** **۸۷/۱۱/۲۱**

* دکتر اقتصاد صنعتی، دانشگاه یزد، <m.a.feizpour@yazduni.ac.ir>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

مقدمه

با همهٔ پیشرفت‌هایی که جهان در سال‌های اخیر تجربه نموده است موضوع بیکاری همچنان در صدر مسائل اقتصادی و اجتماعی بخش عظیمی از کشورهای جهان قرار دارد. به عنوان مثال، وجود تقریباً ۳۰۰ میلیون نفر بیکار جویای کار در کشورهای در حال توسعه، که عمدهٔ آن‌ها در آسیا زندگی می‌کنند، این موضوع را به عنوان بحرانی بزرگ در این منطقه تبدیل نموده است. با این وجود، حتی دلایل بیکاری و نرخ‌های آن در کشورهای یک منطقه نیز یکسان نیست. به عنوان نمونه اگرچه دو کشور اروپایی انگلستان و فرانسه تنها به واسطهٔ یک کانال از همدیگر جدا می‌شوند اما، نرخ بیکاری در این دو کشور کاملاً متفاوت است (Feizpour, 2003: 33). نرخ بیکاری، حتی در داخل مناطق یک کشور نیز از یکدیگر متفاوت بوده و از این‌رو، می‌توان دلایل بیکاری در درون یک کشور را نیز از یکدیگر متمایز نمود. در ایران، اگرچه بیکاری مزمن و نرخ‌های بالای آن از ویژگی‌های اقتصاد محسوب می‌گردد اما، بر طبق آمارهای رسمی نرخ بیکاری که در فاصلهٔ سال‌های ۵۵– ۱۳٤۵ حدود ۱۰ درصد بوده، در سال ۱۳٦۵ به نزدیک دو برابر افزایش یافته و تقریباً ۲/۷۰۰/۰۰۰ نفر به عنوان بیکار در این سال شناخته شده‌اند. اگرچه این نرخ بر اساس آمارهای رسمی در سال ۱۳۷۵ مجدداً به ۱۰ درصد کاهش‌یافته، اما نرخ بیکاری با افزایش ۵ درصدی، به حدود ۱۵ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است. آمارهای رسمی، نرخ بیکاری نزدیک به ۹/۹ درصد را برای سال ۱۳۸٦ گزارش کرده‌اند و این نرخ در پایان سال ۱۳۸۸ بیش از ۱۰ درصد گزارش شده است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷ و بانک مرکزی، ۱۳۸۹).

علاوه بر تغییرات نرخ بیکاری در طول زمان، تفاوت‌های عمده‌ای در این نرخ با توجه به جنسیت، مناطق شهری و روستایی و استان‌های کشور وجود دارد. به عنوان نمونه، زمانی که نرخ بیکاری زنان در سال ۱۳٦۵ حدود ۲٤ درصد بوده، این نرخ در میان مردان به مراتب کم‌تر گزارش گردیده است. هم‌چنین مناطق روستایی، اصولاً نرخ‌های بیکاری

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

بالاتری را تجربه نموده و علاوه بر آن، استان‌های کشور شاهد نرخ‌های بیکاری کاملاً متمایز از یکدیگر بوده‌اند (Feizpour, 2003: 47). در این میان، اگرچه استان یزد در بیش‌تر سال‌ها و در مقایسه با سایر استان‌های کشور نرخ‌های بیکاری کم‌تری را تجربه نموده، اما بر طبق آمار منتشره، نرخ بیکاری در این استان طی برنامهٔ سوم و خصوصاً سال‌های نخست آن به شدت رو به فزونی نهاده است (حسینی‌پور و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۶؛ ولی‌زاده و خلیلی، ۱۳۸۳: ۱). استان یزد که تا قبل از سال ۱۳۸۰ کم‌تر شاهد تجربهٔ نرخ‌های بیکاری دو رقمی بوده، در سال ۱۳۸۳ با نرخ بیکاری ۱۷/۸ درصد، در گروه استان‌های با بالاترین نرخ بیکاری قرار گرفته (جدول شمارهٔ ۱) و درنتیجه، متوسط نرخ بیکاری در این استان طی سال‌های برنامهٔ سوم توسعه یک درصد بیش‌تر از متوسط کشور بوده است.

جدول شماره ۱: مقایسهٔ نرخ بیکاری استان‌های کشور، ۱۳۸۲-۱۳۷۵

سال / نرخ بیکاری	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
آذربایجان شرقی	٦,٣١	٧,٧٣	٦,٨٢	٧,٠٠	٧,٠٠	٦,٦٦	٧,٨٠	٥,٠٠	٥,٧
آذربایجان غربی	٩,٨٧	١٨,٥٦	٧,٨٦	٨,٤٠	١١,١٠	١٠,٦٤	٨,٦٠	١٠,٨٠	١٠
اردبیل	١٠,٦٣	١٥,٣٨	٧,٨٥	١٤,٠٠	١٢,٦٠	١١,٥٥	١٤,٠٠	١٠,٤٠	١٠,١
اصفهان	٧,٩٠	١٠,٦٠	١٢,٦٨	١٢,٤٠	١٣,٠٠	١٣,١٠	١٦,١٠	١٢,٨٠	١٠
ایلام	١٧,٧٥	١٦,٧٤	١٤,٥٦	١١,٨٠	١٤,١٣	١٧,٠٩	١٤,٤٠	١٥,٤٠	١٣,٥
بوشهر	٨,٠٦	١٥,٣١	١٦,٢٦	١٧,٠٠	١٧,٨٠	١٢,٠١	٩,٠٠	١٢,٠٠	٩
تهران	٦,١٧	١١,٦٢	١١,٠٦	١١,٣٠	١٢,١٠	١٢,١٧	١٢,٠٠	١١,٦٠	١١,٦
چهار محال و بختیاری	٧,٨٩	٩,٩٢	١٢,٣٦	١٦,٩٠	١٧,٦٠	١٢,٣٨	١٢,٠٠	١٧,١٠	١٧,٥
خراسان[1]	٧,٠٩	١٤,٣٣	١٠,٥٦	١٣,٢٠	١٥,٣٤	١٢,٨٨	١١,٩٠	٨,٧٠	١٠
خوزستان	١٧,٠٤	١٧,٠٥	١٦,٣٨	٢١,٥٠	١٨,٦٠	١٧,٥٩	٢١,٤٠	١٩,١٠	١٦,٧
زنجان	٦,٦٣	١٠,٦٥	٨,٤١	١٣,٥٠	١١,٥٠	١١,٨٥	١٠,٠٠	١١,٢٠	١٠

۱ـ استان خراسان در سال ۱۳۸۳ به سه استان خراسان رضوی، خراسان شمالی و خراسان جنوبی تقسیم گردید.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

سال / نرخ بیکاری	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
سمنان	۵,۱۶	۹,۵٤	۷,۷۹	۱۲,۱۰	۱۲,۹۳	۱٦,۲۷	۱۱,۵۰	۹,۱۰	۱٤,۱
سیستان و بلوچستان	۹,۵۲	۱۰,۳۱	۱٦,۹۸	۲۰,۲۰	۲٦,۷۳	۳۵,۳۲	۲٤,۱۰	۲۱,۲۰	۱۵,۷
فارس	۱۰,۵۷	۱۵,۸۰	۱۲,۲٤	۱۲,۷۰	۱۵,۹۰	۱۹,۳٦	۱۱,۳۰	۱۲,۹۰	۹,۵
قزوین	۲,۲٤	۱۰,٤۰	۱۵,۲۹	۱۲,٦۰	۱۸,٤۰	۱۰,۸٤	۱۰,٤۰	۷,۷۰	۷,۵
قم	۵,۵۷	۱۲,٦٦	۱۱,۷۱	۹,۱۰	۱۱,۳۱	۱۲,۵۹	۱۰,۰۰	۸,۷۰	۹,۹
کردستان	۹,٤٤	۱۹,۵۲	۱۰,۵٦	۱۷,۲۰	۲۳,۳۰	۱۷,۵۷	۱۷,۸۰	۱٤,۱۰	۱۰,۲
کرمان	۸,۷۹	۲۱,۳۵	۱٤,۹٦	۱۵,۳۰	۱۱,۷۰	۱۱,٤۰	۱۲,۷۰	۹,۰۰	۱۰,٤
کرمانشاه	۱۹,۸۸	۲۱,۵۳	۲۵,۱٤	۲۲,۵۰	۲۱,۹۰	۲۷,۲۲	۱٤,۷۰	۱۰,٦۰	۱۰,٦
کهگلویه و بویر احمد	۱٤,۹۲	۱۳,۵۵	۱۱,۹۸	۱۷,۱۰	۱۵,۷۰	۱۵,۲۵	۱٤,۵۰	۱۳,۵۰	۱۵,۳
گلستان	۹,۸۸	۱۳,٦۷	۱۱,٤۱	۱۵,۸۰	۱٤,۷۰	۱٤,۰۸	۹,٤۰	۱۳,۷۰	۱۰,۲
گیلان	۱۳,٤۳	۱۰,۷٤	۱٦,٦۰	۱٦,٤۰	۱۳,٦۰	۱۳,٦۵	۱۳,۹۰	۱۱,۵۰	۱۱,۷
لرستان	۱۹,۱٦	۲٤,٤۲	۲٤,۰٤	۲۱,٤۰	۲٤,۵۰	۲۷,۳۵	۲۱,۲۰	۱۸,۹۰	۱۰
مازندران	۹,۷۷	۸,۹٤	۱۵,۹۹	۱۱,۳۰	۱۲,۷۰	۱۰,۰٤	۱۰,۱۰	۱۰,۳۰	۷,٦
مرکزی	۷,٦۵	۱۰,۰۱	۹,۷۰	۱٤,۱۰	۱۲,۰۰	۸,۹٤	۷,۹۰	۸,۷۰	۹,۵
هرمزگان	۸,٦۸	۱۷,۷۲	۱۷,۰۱	۱٦,۱۰	۱۷,٤۰	۱۸,۱۲	۱٦,۸۰	۱۲,۳۰	۱۱,۹
همدان	۹,۰۵	۱۱,۹۸	۱۲,۳۹	۱۵,۱۰	۱٤,٤۰	۱۷,۰۱	۱۲,۷۰	۱۳,۵۰	۱۰,۸
یزد	۵,۲	۵,۷	٦,٤	۱۰,۲	۸,۰	۱٤,۲	۱٤,۳	۱۵,۳	۱۷,۸

منبع: سالنامه‌های مختلف آماری کشور و استان یزد، ۸۵-۱۳۷۵

با این همه، اگرچه بیکاری موضوعی است که همواره از آن به عنوان معضلی اقتصادی ـ اجتماعی[1] یاد گردیده و سعی می‌شود تا دلایل بروز آن با استفاده از تئوری‌های متفـاوت

۱ـ به عنوان مثال مطالعات متعدد نشان داده‌است که بیکاری و طول دورهٔ آن می‌تواند معضلات اجتماعی متفـاوتی ماننـد انواع جرایم را در پی داشته باشد. برای مطالعـهٔ بـیش‌تـر در ایـن زمینـه بـه: Hale and Sabbagh, 1991; Reilly and Witt,1992; Pyle and Deadman, 1994 مراجعه نمائید.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

در سطح ملی یا منطقه‌ای تبیین گردد اما، آن‌چه بیش از این موضوع اهمیت دارد طول دوره‌ای است که طی آن فرد بیکار به دنبال شغل است. این دوره در ادبیات اقتصادی به دوره بیکاری[1] معروف بوده و متوسط آن به عنوان معیاری اساسی در تحلیل‌های اقتصادی به مراتب از اهمیت بیش‌تری نسبت به نرخ بیکاری برخوردار است. چه آن‌که، دورهٔ بیکاری معیاری پویا به شمار می‌رود در حالی‌که نرخ بیکاری مفهومی ایستا است. بر این اساس، می‌توان حتی شرایطی که در آن نرخ بیکاری بالا (در مقطع زمانی مشخص) با دوره‌های بیکاری کوتاه اتفاق می‌افتد را تصور نمود. از این رو، نه تنها مطالعهٔ نرخ و تعداد بیکاران، بلکه مطالعهٔ متوسط طول دورهٔ بیکاری و شناسایی عوامل مؤثر بر آن و در نتیجه، تئوری‌هایی که بتواند تبیین‌کنندهٔ چنین موضوعی باشد، از اهمیت به سزایی برخودار است. موضوعاتی که بررسی آن از نظر مبانی تئوریک و آزمون آن در سطح افراد جویای کار استان یزد طی برنامهٔ سوم توسعه اهداف اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد.

این مقاله در پنج بخش تنظیم گردیده است. پس از مقدمه، بخش دوم به بررسی ادبیات موضوع و مروری بر تحقیقات انجام شده در زمینهٔ دورهٔ بیکاری و عوامل مؤثر بر آن اختصاص یافته است. روش تحقیق شامل جامعهٔ آماری، نمونهٔ آماری و ویژگی‌های آن و نیز مدل تبیین دورهٔ بیکاری و متغیرهای مؤثر بر آن در بخش سوم ارائه گردیده است. یافته‌های این پژوهش عنوان بخش چهارم را تشکیل داده و نهایتاً بخش پنجم به نتیجه‌گیری از یافته‌ها پرداخته‌است.

مبانی نظری و سابقهٔ پژوهش

اگرچه در ادبیات اقتصادی تعاریف متعددی از بیکاری و در نتیجه نحوهٔ محاسبهٔ نرخ آن وجود دارد، اما تقریباً در تمامی تعاریف موجود، نه تنها توانایی انجام کار، بلکه تمایل به انجام کار نیز به عنوان شرطی اساسی برای قرارگرفتن فردی در این گروه مدنظر قرار گرفته

1. unemployment duration

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

است. بر این اساس، دوره بیکاری را می‌توان به عنوان فاصلهٔ زمانی که فردی با ویژگی‌های فوق در جستجوی یافتن شغل بوده است، تعریف نمود. این دوره می‌تواند تابع عوامل متفاوتی قرارگرفته و از این رو، ادبیات این حوزه از مناظر متفاوت به آن پرداخته است. با این وجود، می‌توان عوامل مؤثر بر دورهٔ بیکاری را به دو دستهٔ کلی ویژگی‌های فردی[1] و ویژگی‌های محیطی[2] تقسیم نمود (Kupets, 2006). در حالی که متغیرهایی مانند جنسیت (Baffoe and Ezeala, 2005; Ahn and Garcia-Perez, 2002)، سن (Ahn and Garcia-Perez, 2002; Lalla and Pattarin, 2001)، وضعیت تأهل (Tansel and Tasci, 2004)، سطح آموزش (Lalla and Pattarin, 2001; Tansel and Tasci, 2004)، مهارت و سابقه شغلی (Carroll, 2004)، و حتی‌نژاد (Dawkins, et al., 2005) به عنوان نمونه‌هایی از ویژگی‌های فردی (Follmann, et al, 1990) تلقی‌می‌گردد، محل‌سکونت (Kupets, 2006; Miezite and Pogrebnaja, 2003)، نرخ بیکاری منطقه‌ای (Foley, 1997; Kupets, 2006)، عدم ثبات اقتصادی (Mills, 2001)، بیمه‌های بیکاری (Addison and Portugal 2004 ; Shannon and Kidd, 2000; Kupets, 2006; Chi, et al., 2002; Baffoe and Ezeala, 2005: 845; Choi and Shin, 2002) و تحرک نیروی کار (Choi and Shin, 2002; Dawkins, et al., 2005) را می‌توان به عنوان متغیرهای محیطی مؤثر بر دورهٔ بیکاری در نظر گرفت.

در ادبیات اقتصادی و از نگاه مبانی نظری، تئوری‌های متفاوتی برای تبیین تأثیر هر یک از عوامل فوق بر دورهٔ بیکاری وجود دارد. به عنوان مثال، تأثیر جنسیت بر دورهٔ بیکاری را می‌توان بر اساس تئوری نئوکلاسیک‌ها، تئوری بازار کار دوگانه و تئوری جنسیتی تفسیر نمود. تئوری نئوکلاسیک‌ها بیان می‌نماید که در مقایسه با مردان، طول دورهٔ بیکاری برای زنان، به دلیل آن‌که که بازار کار نخست نیروی کار با بهره‌وری بالاتر را جذب می‌نماید، بیش‌تر است. از این‌رو، در شرایطی که سطح آموزش، به عنوان عاملی مؤثر بر بهره‌وری، در

1. individual characteristics 2. environmental characteristics

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

زنان نسبت به مردان پائین‌تر است، زنان دورهٔ بیکاری طولانی‌تری را نسبت به مردان تجربه می‌نمایند. این موضوع، خصوصاً زمانی که بازار کار از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار نباشد، موضوعیتی مضاعف خواهد داشت. هم‌چنین تأثیر وضعیت تأهل بر دورهٔ بیکاری با توجه به تئوری‌های جنسیتی قابل توجیه است. چرا که تئوری‌های جنسیتی، خصوصاً با فرهنگ ایرانی، وظایف اصلی زنان را عمدتاً تربیت و پرورش فرزندان دانسته، و این‌درحالی است که در این فرهنگ، تأمین درآمد مورد نیاز خانوار بر عهدهٔ مردان گذاشته شده است و ازاین‌رو انتظار می‌رود تحمیل چنین وظیفه‌ای بر مردان، باعث کاهش دورهٔ بیکاری برای این‌گروه گردد[1].

اگرچه تأثیر آموزش بر دورهٔ بیکاری با الگوی‌های متفاوتی در حوزهٔ مطالعات نیروی انسانی قابل بررسی است، با این وجود از نحوهٔ ارتباط این دو مقوله، و این که سطوح آموزش بالاتر باعث کاهش یا افزایش دورهٔ بیکاری خواهد به عنوان مقوله‌ای پارادوکسی یاد گردیده و تئوری‌های این حوزه بر جهت ارتباط این دو اتفاق نظر ندارند. از یک سو، ادعا بر این است که چنان‌چه آموزش بتواند بهره‌وری نیروی انسانی را تحت تأثیر مثبت قرار دهد، احتمال دست‌یابی به شغل افزایش یافته و در نتیجه طول دورهٔ بیکاری را کاهش خواهد داد. چه آن که بازار کار، نخست جویندگان کار با بهره‌وری بالاتر را جذب خواهد نمود. این در حالی است که عده‌ای از صاحب نظران بر این باورند که آموزش راه حل مناسبی برای کاهش نرخ بیکاری و یا دورهٔ آن نیست. بر اساس این نظریه، آموزش نیروی انسانی تحت شرایط خاصی تنها می‌تواند تقاضا برای نیروی کار را از کارگران ساده به کارگران آموزش دیده جابه جا نماید. براین اساس، کارآیی و تأثیر برنامه آموزش تنها در یک ساختار سالم اقتصادی، جایی که عوامل به صورت کاراً و مؤثر به استخدام در می‌آید، قابل مشاهده خواهد بود[2]. این در حالی است که آموزش بیش‌تر می‌تواند سطح

۱ برای مطالعهٔ بیش‌تر در این زمینه به، فیض پور (۱۳۸٦) مراجعه شود.

۲ـ هادیان (۱۳۸٤).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

دستمزدهای انتظاری را در بازار کار افزایش داده و از این طریق، تقاضا برای نیروی کار با سطوح تحصیلی بیش‌تر کاهش و دورهٔ بیکاری این گروه افزایش یابد.

علاوه بر تئوری‌های فوق که می‌توان بر اساس آن‌ها تأثیر عوامل فردی را بر دورهٔ بیکاری تشریح نمود. تئوری‌های متعدد دیگری به بررسی نقش عوامل محیطی بر نرخ و دوره بیکاری پرداخته‌اند. به عنوان مثال، تئوری‌های ناهماهنگی در بازار کار[1]، ناهماهنگی‌های متفاوتی را مانند ناهماهنگی مهارتی در این بازار مورد بررسی قرار داده و این بر حالتی دلالت دارد که به صورت هم‌زمان عرضه و تقاضا برای نیروی کار وجود داشته، اما تمایزات عمده میان این دو از حیث مهارت مشاهده می‌شود. این موضوع خود می‌تواند دورهٔ بیکاری یا زمان دست‌یابی به شغل را افزایش دهد. علاوه بر آن، عدم تحرک نیروی کار نیز در ادبیات این حوزه به عنوان یکی از دلایل عمده که می‌تواند دورهٔ بیکاری را تحت تأثیر قرار دهد شناخته شده و این موضوع را می‌توان با تئوری ناهماهنگی جغرافیایی در بازار کار[2] تبیین نمود. این تئوری بیان می‌نماید که در بسیاری از موارد علت افزایش دورهٔ بیکاری نه به دلیل عدم وجود فرصت‌های شغلی در بازار کار، بلکه به علت عدم تحرک نیروی کار دربین مناطق است. به عبارتی، بر اساس این تئوری فرصت‌های اشتغال با افراد جویای کار در یک منطقه جغرافیایی قرار نداشته و دراین‌میان، عوامل فرهنگی و ویژگی‌های بازار مسکن را می‌توان به عنوان نمونه‌ای ازدلایل این ناهماهنگی تلقی نمود.[3]

بررسی دورهٔبیکاری، بااین وجود به داده‌های جامعی که دربرگیرندهٔ جمعی از ویژگی‌های فردی و محیطی باشد نیازمند است و ازاین‌رو نسبت به کشورهای توسعه‌یافته،

1. labor market and mismatch theories
2. geographical mismatch in the labor market

٤ـ برای مطالعهٔ بیش‌تر در زمینهٔ تئوری‌های ناهماهنگی در بازار کار به منابع ارزشمند ذیل مراجعه شود:

Brunello, 1991; CEPR, 1990; Crampton, 1999; Minford et al., 1985, Fieldhouse, 1999; Franz, 1991;Genay and Loungani, 1997; Holzer et al., 1994; Jackman et al. 1991; Rogers, 1997; Taylor, 1989.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

مطالعات اندکی در این زمینه در کشورهای در حال توسعه و به دلیل ضعف آمار موردنیاز وجود داشته و این‌بخش برخی از این مطالعات را در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار می‌دهد.

با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از آمارگیری ملی روسیه، Foley (1997) به بررسی تأثیر عوامل فردی و محیطی مؤثر بر مدت زمان بیکاری پرداخته و نمونهٔ مورد مطالعهٔ او شامل زنان ٥٤- ١٥ و مردان ٥٩- ١٥ ساله‌ای است که طی سال‌های ١٩٩٤- ١٩٩٢ در جستجوی کار بوده‌اند. یافته‌های این پژوهش بیان‌گر آن است که مدت زمان بیکاری زنان متأهل نسبت به مردان متأهل بیش‌تر بوده و نیز، بین دوره بیکاری و سن فرد رابطه‌ای مستقیم و معنی‌دار برقرار است. علاوه برآن، محل سکونت فرد نیز بر دورهٔ بیکاری او تأثیرگذار بوده و افراد در مناطق با نرخ بیکاری بالاتر، دورهٔ بیکاری طولانی‌تری را تجربه نموده‌اند. با این وجود، میزان تحصیلات و نیز داشتن یا نداشتن فرزند بر دورهٔ بیکاری تأثیری نداشته است.

در فنلاند Gonzalo and Saarela (2000) با استناد به داده‌های بیکاران واسا[1] به مطالعهٔ اثر تفاوت‌های جنسیتی بر دورهٔ بیکاری پرداخته و نمونهٔ انتخابی آن‌ها شامل بیکاران‌جویای کار ثبت‌نام شده درفاصلهٔ اول ژانویه تا هجدهم سپتامبر ١٩٩٦ می‌باشد. نتایج این‌بررسی بیان می‌کند که افزایش تعداد فرزند برتلاش مردان برای یافتن شغل بی‌تأثیر است اما، این عامل باعث می‌شود زنان مصرانه‌تر به دنبال یافتن شغل باشند. این‌درحالی است که دورهٔ بیکاری زنان به مراتب بیش‌تر از مردان است.

مطالعهٔ Chi (2002) و همکارانش در آمریکا با انتخاب نمونه‌ای شامل افراد ٦١- ٢٠ سال که شغل‌های تمام وقت خود را در بخش غیرکشاورزی در سال‌های ١٩٨٥، ١٩٨٩، ١٩٩١، ١٩٩٥، و ١٩٩٩ از دست داده بودند، به بررسی عوامل مؤثر بر دورهٔ بیکاری آن‌ها پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد اگرچه افزایش بیمهٔ بیکاری موجب طولانی‌تر

1. Vasa

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

شدن دورهٔ بیکاری در هر دو گروه زنان و مردان گردیده، با این وجود این افـزایش باعـث افزایش احتمال استخدام مجدد زنان در شغل‌های نیمه وقت و نیز افزایش احتمال استخدام مجدد مردان در شغل‌های تمام‌وقت شده است.

بررسی اثر کنترل اجارهٔ واحدهای مـسکونی بـر طـول دورهٔ بیکـاری موضـوع مطالعـهٔ Svarer (2003) و همکارانش در کشور دانمارک و با استفاده از داده‌هـای مرکـز آمـار ایـن کشور است. نمونهٔ مورد مطالعهٔ آن‌ها را افـرادی کـه بـر اسـاس گـزارش ایـن مرکـز طـی سال‌های ۲۰۰۰– ۱۹۹۷ بیکار شده‌اند، تشکیل می‌دهد. نتایج بررسی نشان مـی‌دهـد کنتـرل اجاره باعث کم‌شدن جابه‌جایی نیروی کار می‌گردد. بنابراین، افراد تمایل بـیش‌تـری بـرای یافتن کار در بازارهای محلی پیدا می‌کنند که موجب تأثیرگذاری شـدید شـرایط بازارهـای محلی نیروی کار بر مدت زمان بیکاری می‌شود. از سوی دیگر، کم‌شدن تحرک نیروی کار موجب می‌گردد بنگاه‌ها برای یافتن افراد واجد شرایط دچار مشکل شـوند یـا بـه عبـارت دیگر نیروی کار به عامل تولید گران قیمت تبدیل می‌شود. در نتیجه، بنگاه‌ها به جـایگزینی سرمایه به جای نیروی کار روی آورده و در نهایت نرخ بهره افزایش‌یافته و باعـث کـاهش رشد اقتصادی می‌شود. این موضوع موجب افزایش بیکاری و تأثیر مجدد بر دورهٔ بیکـاری می‌گردد. علاوه بر آن، Lentz and Trans(2004) نیزبه بررسی اثر ثـروت و درآمـد همـسر افراد بیکار بر دورهٔ بیکاری افراد جویای کار در دانمارک پرداختـه و نمونـهٔ انتخـابی آن‌هـا افراد ۱۸ تا ٦٦ ساله‌ای است که طی دورهٔ ۱۹۹٤-۱۹۸۰، به مدت ٥۲-٤ هفته بیکار بوده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد اگرچه میزان ثروت به میزان اندکی توانسته است بـر دورهٔ بیکاری تأثیرگذار باشد اما، افزایش درآمد همسر زنان بیکار جویـای کـار موجـب کـاهش تلاش آن‌ها برای یافتن شغل می‌شود. این در حالی است که مورد مذکور بـرای مـردان اثـر عکس داشته و باعث شده است آن‌ها مصرانه‌تر برای یافتن شغل تلاش کنند. همچنین، این بررسی بیان می‌کند که تعداد فرزندان تأثیر معنی‌داری بر مدت زمان بیکاری افـراد نـدارد و افزایش میزان تحصیلات باعث کاهش دورهٔ بیکاری آنان می‌گردد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

در فرانسه، Terracol (2004) با استفاده از داده‌های انجمن خانوارهـای اروپـایی[1] طـی سال‌های ۲۰۰۰– ۱۹۹٤ به مطالعهٔ بررسی اثر برنامه‌های رفـاهی[2] بـر مـدت زمـان بیکـاری پرداخته و نمونهٔ این تحقیق در برگیرندهٔ افرادی است که حداقل یک ماه برای بهره‌مندی از برنامه‌های رفاهی واجد شرایط بوده‌انـد. یافتـه‌هـای ایـن پـژوهش نـشان مـی‌دهنـد افـراد استفاده‌کننده از برنامه‌های رفاهی نسبت با آن‌هایی که از چنین برنامه‌هایی استفاده ننموده‌اند دورهٔ بیکاری طولانی‌تری داشته و این برنامه‌ها منجـر بـه کـاهش ۵۰– ۱٦ درصـدی نـرخ شاغل شدن بیکاران گردیده است.

Tansel (2004) و همکارانش به بررسی عوامل مؤثر بر مدت زمان بیکـاری در کـشور ترکیه به عنوان کشوری در حال توسعه پرداخته‌اند. آن‌ها از تحقیق پیمایشی سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ استفاده نمودند. نمونهٔ این مطالعه شامل افراد ٦۵– ۱۵ سال می‌باشـد کـه در زمـان مذکور بیکار جویای کار بودند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد کـه طـول دورهٔ بیکـاری زنان نسبت به مردان بیش‌تر می‌باشد، ضمناً این مطالعه به فعالیت‌های تولیدی زنان در خانه اشاره می‌کند که با توجه به نادیده گرفتن دست‌مزد آنان نوعی تبعیض بر علیه زنان در بازار کار محسوب می‌شود. همچنین مطالعهٔ فوق نشان می‌دهد که مدت زمـان بیکـاری بـا سـن افراد رابطهٔ مستقیم و با تحصیلات ارتباط معکوس دارد. علاوه بر این افزایش نرخ بیکـاری منطقه‌ای عامل تأثیرگذار بر طولانی‌تر شدن مدت زمان بیکاری است. بر اثـر همـین عامـل است که زندگی در مناطق شهری باعث شاغل شدن سریع‌تر بیکاران شده که خود یکـی از علل مهاجرت روستاییان به شهر محسوب می‌گردد.

مطالعهٔ Kupets (2006) با عنوان محاسبهٔ دوره بیکاری در اکراین، از مطالعاتی است که با دقت به بررسی این موضوع در کشوری که به عنوان کشور در حال گذار تلقی می‌شـود، پرداخته است. او معتقد است که تا زمان انجام این مطالعه و باوجود مطالعات متعددی کـه

1. European Community. Household. Panel
2. French Guaranteed. Income. Program (R. M. I)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

به بررسی موضوع دورهٔ بیکاری در کشورهای توسعه‌یافته و عوامل مؤثر بر آن پرداخته شده است، مطالعات بسیار اندکی در این حوزه در کشورهای در حال گذار صورت گرفته است. برای بررسی موضوع، Kupets از دو دسته متغیر که او از آن‌ها به عنوان ویژگی‌های فردی و ویژگی‌های تقاضای محلی (یا محیطی) یاد می‌کند استفاده نموده است. او همچنین افرادی را که بیش از یک سال به دنبال شغل بوده و شغلی پیدا ننموده‌اند را در تقسیم‌بندی خود در گروه بیکاران بلند مدت جای می‌دهد. با استفاده از داده‌های به دست آمده از نمونهٔ تصادفی ٤٠٥٦ خانوار و ٨٦٤١ نفر که در فاصلهٔ سنی ۷۲– ۱۵ سال قرار گرفته‌اند، Kupets مطالعهٔ خود را از ژانویهٔ ۱۹۹۸ تا دسامبر ۲۰۰۲ سامان داده و ویژگی‌های فردی مورد مطالعه را جنسیت، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان، گروه سنی، میزان تحصیلات و وضعیت مهارت تعریف نموده است. علاوه‌برآن، مزایای بیکاری، درآمدهای حاصل از کارهای جانبی، درآمد خانواده فرد، وضعیت بازنشستگی و وضعیت سابق شغلی فرد جویای کار (شاغل بودن یا نبودن)، نرخ بیکاری در منطقه و محل ثبت نام (مکان زندگی) را به عنوان دیگر متغیرهای مورد بررسی در نظر گرفته است. نتایج به دست آمده از این مطالعهٔ ارزشمند نشان‌دهندهٔ آن است که احتمال دست‌یابی به شغل برای افراد مسن، مجرد، با سطوح آموزشی پایین، ساکن در شهرهای کوچک یا مناطق روستایی، متکی به درآمد خانواده و نیز افراد بازنشسته نسبت به سایر گروه‌ها کم‌تر است. جالب توجه است که در این مطالعه دورهٔ بیکاری دریافت‌کنندگان مزیت‌های بیکاری به طور معنی‌داری با آن‌ها که از این مزیت‌ها استفاده نمی‌نمایند، تفاوت معنی‌داری ندارد. همچنین نرخ بیکاری در زمان ثبت نام فرد جویای کار به صورت منفی و معنی‌دار بر احتمال خروج از دورهٔ بیکاری مؤثر است.

مطالعهٔ Terracol (۲۰۰۹) را باید از جدیدترین مطالعاتی که در راستای تأثیر حداقل درآمد تضمین شده بر احتمال خروج از بیکاری در کشور فرانسه انجام شده است، محسوب نمود. این مطالعهٔ جامع با استفاده از داده‌های خانوارهای اتحادیهٔ اروپا برای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

بررسی تأثیر برنامهٔ حداقل درآمد تضمین شده (که بـه عنـوان RMI: Revenu Minimum d'Insettion در کشور فرانسه شناخته شده است) بـر احتمـال خـروج از بیکـاری در ایـن کشور انجام شده است. در این مطالعه نشان داده شـده اسـت دریافـت حـداقل درآمـد در ماه‌های نخست تأثیر منفی و معنی‌داری بر احتمال خروج از بیکاری داشته، اما بـا گذشـت زمان این تأثیر به سرعت کاهش یافته و بعد از حـدود ٦ مـاه عمـلاً تـأثیر حـداقل درآمـد تضمین شده بر احتمال خروج از بیکاری از نظر آماری معنی‌دار نیست. علاوه‌بر آن، نتـایج این مطالعه بیان‌گر آن است که ساختار خانواده (مانند وضعیت تأهل، داشتن فرزند و سـن) نیز به عنوان عامل مهم تأثیرگذار بر دورهٔ بیکاری شناخته می‌شود.[1]

در ایران و با دانسته‌های محقق، پژوهش هادیان در سال ١٣٨٤ تنها پژوهشی است کـه با استفاده از اطلاعات بیکاران جویای کـار ثبـت نـام‌شـده در ادارهٔ کـار و امـور اجتمـاعی شهرستان شیراز به بررسی اثر آموزش بر طول دورهٔ بیکاری آنـان پرداختـه اسـت. هادیـان نشان داده است که جنسیت افراد جویای کار بر طول دورهٔ بیکاری آنان تأثیرگذار است، به طوری‌که مردان بیش از زنان تمایل به خروج از دورهٔ بیکاری دارند. سن، سطح تحصیلات و تعداد فرزندان بیکاران جویای کار از عوامل دیگری که به استناد این مطالعـه بـر کـاهش دورهٔ بیکاری به طور معنی‌داری مؤثر است. سطوح آمـوزش، خـصوصاً آمـوزش از طریـق آموزشگاه‌های آزاد و فنی- حرفه‌ای، باعث کاهش دورهٔ بیکاری می‌شود. بنابه یافته‌های این تحقیق و برخلاف انتظار، وضعیت تأهل و تعداد افراد تحـت تکفـل بیکـاران جویـای کـار دارای اثر مثبت بر افزایش دورهٔ بیکاری است. هادیان دلیل این موضوع را امکان وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل تحقیق دانسته است.

١ـ از مهم‌ترین نکاتی که در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته، پدیده‌ای است که از آن بـه نـام Self- Selection (خـود انتخابی یا انتخاب دلخواه) یاد می‌شود. این موضوع نیز بر این واقعیت استوار است کـه بـسیاری از افـراد واجـد شـرایط دریافت حداقل درآمد به دلایل متعددی (مانند عدم تمایل برای شناخته شدن در جامعـه و یـا هزینـه‌هـای بـالای احـراز شرایط و دریافت درآمد) ترجیح می‌دهند در فهرست اسامی واجدین شرایط جای نگرفته و این خود می‌تواند در مرحلـهٔ بعدی، نتایج به دست آمده را مورد تردید قرار دهد. با استفاده از روش‌های اقتصاد سنجی می‌تـوان ایـن پدیـده را مـورد بررسی و در صورت وجود، مورد تصحیح قرار داد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

روش تحقیق

جامعهٔ آماری و ویژگی‌های آن

برای اولین بار از سال ۱۳۷۱ ثبت نام از بیکاران جویـای کـار در مراکـز ادارهٔ کـار و امـور اجتماعی استان یزد آغاز و در مجموع، تعداد ثبت نام‌شدگان به عنوان بیکاران جویای کـار تا پایان برنامهٔ سوم توسعه حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر بوده است. با این وجود، و از آن‌جا که دورهٔ این مطالعه را سال‌های برنامهٔ سوم توسعه تشکیل داده، تنها ثبت‌نام‌شدگان این دورهٔ جامعهٔ آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهد. همان‌گونه که در جدول شمارهٔ ۲ مشاهده مـی‌شـود حدود ٦٨٠٠٠ نفر در طول برنامهٔ سوم به عنوان بیکار جویای کار در یکی از مراکـز ادارات کار و امور اجتماعی شهرستان‌های استان یزد ثبت‌نام نموده‌اند. این جدول هم‌چنـین نـشان می‌دهد روند ثبت‌نام‌شدگان به عنوان بیکاران جویای کار در استان طـی ایـن دوره رونـدی نامنظم است. به عنوان مثال، حدود ٤٠ درصد از ثبت‌نام‌شدگان تنها در سال ۱۳۸۱ ثبت نام نموده‌اند. اگرچه جهش صورت گرفته در سال ۱۳۸۱ (که ادعا مـی‌شـود بـه علـت اعطـای وام‌های خود اشتغالی رخ داده است) از سال ۱۳۸۲ روندی کاهشی نشان می‌دهد اما هرگـز این مقادیر به میزان سال‌های قبل از سال ۱۳۸۱ نرسیده است[1].

۱ـ ادعا براین‌است که وام‌های کم بهره می‌تواند به عنوان یکی از دلایل این جهش تلقی گردد. این موضوع باعث می‌شود تا گاهی افراد شغل قبلی خود را جهت استفاده از تسهیلات فراهم شده ترک نمایند. در ادبیات این حوزه این موضوع بـه عنوان جابه‌جایی مشاغل شناخته شده است. برای مطالعهٔ بیش‌تر به Houle, and Audenrode 1995 مراجعه شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

جدول شمارهٔ ۲: روند ثبت نام بیکاران جویای کار در استان یزد طی سال‌های ۸۴-۱۳۷۱

سال	تعداد	درصد از کل	درصد (طی برنامه سوم)
۷۱	۳۴۷۳	۳/۵	
۷۲	۳۷۶۲	۳/۸	
۷۳	۲۸۶۱	۲/۹	
۷۴	۳۸۲۵	۳/۸	
۷۵	۴۲۸۳	۴/۳	
۷۶	۶۱۳۴	۶/۱	
۷۷	۳۷۱۸	۳/۷	
۷۸	۳۸۵۴	۳/۹	
۷۹	۴۲۲۲	۴/۲	۶
۸۰	۵۵۱۵	۵/۵	۸
۸۱	۲۷۱۰۹	۲۷/۱	۴۰
۸۲	۱۸۲۵۰	۱۸/۲	۲۷
۸۳	۱۳۰۰۰	۱۳/۰	۱۹
جمع (طی برنامه سوم)	۶۸۰۹۶	۶۸/۱	
جمع کل	۶۱۰۰۰۰	۱۰۰/۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش‌گر

علاوه بر آن، داده‌های موجود نشان دهندهٔ آن است که اگر چه سهم مردان از ثبت‌نام‌شدگان جویای کار طی دورهٔ برنامه سوم بیش از دو برابر زنان است (۴۵۸۴۸ نفر در مقابل ۲۲۲۴۸ نفر) اما نکتهٔ قابل توجه آن که به دلایل متفاوت مانند تغییرات فرهنگی و افزایش نقش اجتماعی زنان، افزایش تعداد و درصد زنان تحصیل کرده و زمینه‌های کاهش دوگانگی در بازار کار، سهم زنان از کل ثبت‌نام‌شدگان در طول دورهٔ مورد بررسی رو به افزایش بوده است. علاوه بر آن، اگر چه ۸۵ درصد از بیکاران جویای کار (بیش از ۵۷۰۰۰ نفر) را افرادی با سطح تحصیلات کم‌تر از دیپلم و یا دیپلم تشکیل داده‌اند با این وجود،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

نکته قابل توجه تفکیک جنسیتی افراد جویای کار با توجه به سطح تحصیلات آن‌هاست. بر این اساس، اگرچه سهم مردان ثبت نام شده با مدرک تحصیلی کم‌تر از دیپلم به مراتب بیش از زنان است (٤٩ درصد برای مردان و ٣٣ درصد برای زنان)، اما در گروه مدرک تحصیلی دیپلم سهم زنان به میزان قابل توجهی از مردان پیشی گرفته است (٤٥ درصد برای زنان و ٣٨ درصد برای مردان). همچنین، مقایسهٔ دو مقطع تحصیلی فوق‌دیپلم و لیسانس نشان می‌دهد در حالی که تنها ٥ درصد از مردان و ٧ درصد از زنان ثبت‌نام شده با مدرک تحصیلی فوق دیپلم بوده‌اند، این نسبت برای سطح تحصیلی لیسانس دارای مقادیر ٨ و ١٥ درصد است. علاوه بر موارد فوق و با توجه به این‌که در ادبیات بازار کار و جمعیت شناسی اولین مقطع شروع به کار از سن ١٠ سالگی است و به کارگیری افراد کم‌تر از ١٠ سال در بازار کار (به عنوان استفاده از نیروی کار کودکان) غیر قانونی است و سن ٦٤ به بالا نیز به عنوان سن بازنشستگی تلقی می‌گردد، می‌توان افراد جویای کار را در دامنهٔ سنی ٦٤-١٠ سال و در گروه‌های سنی نوجوانان، جوانان، میان‌سالان و بزرگ‌سالان طبقه‌بندی نمود. بر این اساس، ٥٩ درصد از مردان و ٦٣ درصد از زنان ثبت‌نام شده را جوانان ٢٤- ١٥ سال تشکیل داده و این در حالی است که نسبت زنان ثبت نام شده در طبقهٔ سنی میان‌سال کم‌تر از مردان است. این موضوع را می‌توان به وضوح در هرم سنی ثبت نام‌شدگان به عنوان بیکار جویای کار نیز مشاهده نمود (نمودار شماره ١).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

نمودار شمارهٔ۱: هرم سنی بیکاران جویای کار ثبت نام شده در استان یزد طی برنامهٔ سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹)

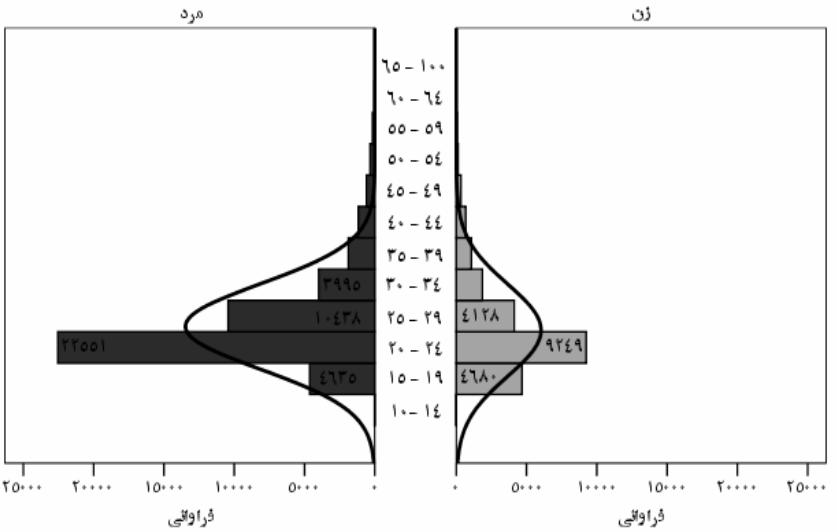

نکتهٔ قابل توجه از هرم سنی بیکاران جویای کار ثبت نام شده آن است که با افزایش سن، درصد زنان جویای کار نسبت به مردان کم‌تر می‌شود. با توجه به این‌که احتمال ازدواج زنان با افزایش سن نسبت به مردان با نسبت بیش‌تری افزایش یافته و از طرفی، بر اساس تئوری‌های نابرابری جنسیتی، بخشی از مسئولیت‌های خانواده مانند نگهداری از فرزندان و انجام امور منزل، خصوصاً در فرهنگ ایرانی و علی‌الخصوص در فرهنگ مردمان یزد بر عهدهٔ زنان است، موضوع فوق بدان معنی است که ازدواج می‌تواند باعث کاهش تمایل زنان به انجام کار رسمی در بیرون از منزل گردیده و با توجه به لزوم تأمین مخارج زندگی توسط مردان، تمایل آن‌ها را به کار افزایش دهد.[۱]

۱ـ اگر چه در فرم ثبت نام از بیکاران جویای کار گزینهٔ وضعیت تأهل وجود دارد اما در پردازش داده‌ها اطلاعات مربوط به وضعیت تأهل استخراج نگردیده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

مهارت کارکنان نیز از متغیرهای بسیار بااهمیت در بازار کار محسوب گردیده و در بیش‌تر موارد از این متغیر برای تبیین و تحلیل دورهٔ بیکاری استفاده می‌شود. اگرچه ممکن است بین سطوح مختلف آموزشی و مهارت افراد رابطه معنی‌داری وجود داشته باشد اما، با این‌وجود در ادبیات بازار کار از سطوح آموزشی[1] و سطوح مهارتی[2] مختلف به عنوان دو متغیر مجزا یاد می‌شود. در حالی‌که بخش اصلی آموزش نتیجهٔ آموزش‌های رسمی در هر کشور است، بخش اصلی مهارت می‌تواند نتیجهٔ تجارب[3] یا دوره‌های ویژهٔ مهارت‌آموزی باشد. نکتهٔ قابل‌توجه از جامعهٔ مورد بررسی آن است که بیش از ۵۰ درصد ثبت‌نام‌شدگان به عنوان بیکارجویای‌کار فاقد هرگونه مهارت‌اند. ۲۱ درصد مهارت خود را از مراکز فنی و حرفه‌ای و تنها ٦ درصد این توانایی را از مراکز آزاد کسب نموده‌اند.

نمونهٔ آماری، نحوهٔ تعیین و ویژگی‌های آن

برای تحلیل دورهٔ بیکاری و از میان جامعهٔ آماری مورد بحث، به طور تصادفی نمونهٔ مورد نظر انتخاب و داده‌های مورد نیاز با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه جمع‌آوری و حجم نمونه نیز با استفاده از فرمول $n = \frac{z^2_{\frac{\alpha}{2}}\,\overline{pq}}{e^2}$ محاسبه شده است (که در آن n: حجم نمونه، $Z\frac{\alpha}{2}$: مقدار z با توجه به سطح اطمینان مورد نظر، $\overline{p}$: نسبت بیکاران در نمونه، $\overline{q}$: نسبت افراد غیر بیکار در نمونه وe: خطای مورد پذیرش است). از آن‌جا که پیش از نمونه‌گیری مقادیر $\overline{p}$ و $\overline{q}$ مشخص نیستند، با در نظر گرفتن این مقادیر معادل ۰/۵ و با پذیرش خطای ٤ درصدی و سطح اطمینان ۹۰ درصد، حجم نمونهٔ مورد نیاز معادل ٤۲۰ برآورد گردیده و برای رعایت نسبت در شهرستان‌های استان، عملاً ٤۲٦ پرسش‌نامه تکمیل شده است. از میان این تعداد، ۵۱ درصد (۲۱۸ نفر) شاغل، ۳۹ درصد (١٦۵ نفر) بیکار و حدود ۱۰ درصد (٤۳ نفر) نیز از نظر اقتصادی غیر فعال بوده‌اند. با کسر افراد غیر فعال، تعداد

1. education levels 2. skill levels 3. know how

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

پرسش‌نامه‌های مورد بررسی در تحلیل‌های نهایی به ۳۸۳ پرسش‌نامه کاهش‌یافته و این تعداد مبنای محاسبات بعدی قرار گرفته است. بر این اساس، ۵۷ درصد از افراد نمونه را شاغلان و مابقی را بیکاران تشکیل می‌دهند. از مجموع ۳۸۳ نمونه نهایی، ٦٣ درصد (٢٤٢ نفر) مرد و ۳۷ درصد بقیه را (١٤١ نفر) زن بوده و ۷۲ درصد (۱۷۵ نفر) از مردان و ۳۰ درصد (٤٣ نفر) از زنان شاغلند. از آن‌جا که وضعیت تأهل می‌تواند به عنوان عاملی تأثیرگذار بر دورهٔ بیکاری تلقی گردد، این موضوع نیز در نمونهٔ مورد مطالعه بررسی گردیده است. داده‌های جمع‌آوری شده نشان‌دهندهٔ آن است که ۳۹ درصد (١٤٩ نفر) از افراد مجرد و ۵۸ درصد آنان (۲۲۳ نفر) متأهل بوده و ۳ درصد (۱۱ نفر) نیز به سئوال وضعیت تأهل پاسخ نداده‌اند. ٥٦ درصد از کل متأهلان نمونه (١٢٤ نفر) را مردان و ٤٤ درصد (۹۹ نفر) را زنان تشکیل داده‌اند. از میان مردان متأهل ۷۷ درصد (٩٦ نفر) شاغل بوده، در صورتی‌که تنها ٢٦ درصد از زنان متأهل مورد بررسی (٢٦ نفر) شاغلند. هم‌چنین، ۷۲ درصد از کل افراد مجرد را مردان و ۲۸ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند. مطالعات موجود نشان می‌دهد شغل و میزان درآمد همسر فرد جویای‌کار می‌تواند موجب تغییر در طول دورهٔ بیکاری زنان ومردان بیکار جویای‌کار گردد. این موضوع نیز در نتایج نمونهٔ مورد بررسی نشان می‌دهد تنها ١٤ درصد از مردان متأهل و ١٦ درصد از زنان متأهل همسر شاغل دارند. تعداد فرزندان که به نوعی تداعی‌کنندهٔ بعد خانوار و همچنین تعداد افراد تحت تکفل است، از دیگر متغیرهای مورد بررسی در نمونه است. مردان متأهلِ با یک فرزند ٤٣ درصد از کل شاغلان را تشکیل داده و در میان بیکاران نیز با افزایش تعداد فرزندان، سهم بیکاران از نمونهٔ بیکاران جویای کار کاهش یافته است. مطالعات موجود نشان می‌دهد که سن افراد بر مدت زمان بیکاری آنان مؤثر است. توزیع سنی و وضعیت فعالیت نمونه مورد مطالعه نیز نشان‌دهندهٔ آن است که بیش‌ترین تعداد بیکاران در گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال قرار گرفته‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

مدل و نحوهٔ تخمین آن

برخلاف بسیاری از متغیرهای اقتصادی که تحلیل آن‌ها از طریق معادلات رگرسیونی یک یا چند متغیره و با استفاده از روش‌های متفاوتی مانند OLS[1] قابل فرموله نمودن و تخمین است، برای توضیح متغیری مانند دورهٔ بیکاری این معادلات با مشکلات متعددی روبرو است. عدم اطمینان از خروج فرد از وضعیت بیکار جویای کار به شاغل طی دورهٔ مورد بررسی، نامشخص بودن شروع دورهٔ بیکاری، عدم شروع و پایان دورهٔ بیکاری در دامنهٔ زمانی مورد مطالعه از جمله مشکلات مربوط به تحلیل متغیری چون دورهٔ بیکاری نسبت به سایر متغیرها مانند نرخ بیکاری است و به عنوان مثال، حتی، طولانی شدن زمان نیز نمی‌تواند محقق را به یافتن شغل توسط فرد جویای کار طی دوره مورد بررسی مطمئن سازد. بنابراین، پی‌گیری افراد جهت محاسبهٔ دورهٔ بیکاری می‌تواند دو نتیجهٔ خروج از دورهٔ بیکاری و یا ماندگاری در این دوره را به دست داده و بنابراین، مقدار متغیر وابسته (دورهٔ بیکاری) برای بسیاری از مشاهدات غیرقابل مشاهده است. تحلیل مدل‌هایی از این دست در مقایسه با مدل‌های رگرسیون خطی معمولی با متغیر وابسته قابل مشاهده برای تمامی مشاهدات، تفاوتی اساسی دارد. علاوه برآن، مقدار مشاهدات در مدل‌های رگرسیون خطی معمولی می‌تواند مقادیر مثبت و منفی را اختیار نماید، این در حالی‌است که مطالعهٔ دورهٔ بیکاری متغیری همواره مثبت است. مدل‌هایی که مشاهدهٔ بعضی از آزمودنی‌ها در طول دورهٔ مورد بررسی مقدور نبوده و متغیر وابسته نیز دوره زمانی است که تنها می‌تواند مقادیر مثبتی را اختیار نماید به مدل‌هایCensored Survival Time مشهورند. تبیین چنین مدل‌هایی، خصوصاً هنگامی که متغیر وابستهٔ دورهٔ زمانی است و دوره‌های زمانی کوتاه‌تر نمایان‌گر تعداد وقوع کم‌تری از حوادث مورد نظر است می‌تواند با توابع پایه‌ای به صورت $t = e^{-X}$ و برای $X \geq ۰$ صورت گیرد. این مدل‌ها اصولا، مدل‌هایی چوله به راست‌اند. ساده‌ترین نوع از مدل‌هایی که تبیین‌کنندهٔ چنین توزیعی است، مدل‌های نمایی است و بر

1. Ordinary Least Square (OLS)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

این اساس می‌توان مدل‌های رگرسیونی نمایی را تعریف نمود. در حالتی که تنها یک متغیر مستقل در مدل وجود داشته باشد، مدل فوق به صورت معادلهٔ شماره ۱ قابل بیان است. مدل‌هایی از این دست دارای دو ویژگی اساسی مثبت بودن و چوله به راست بودن است.

$$T = e^{\beta_0 + \beta_1 \times \varepsilon} \qquad (۱)$$

در این مدل، T دورهٔ بیکاری، β_0 و β_1 پارامترهای مدل و ε جزء استوکاستیکی با توزیع نمایی است. اگرچه چنین مدل‌هایی، مدل‌های غیر خطی به حساب می‌آیند اما به سادگی می‌توان با گرفتن لگاریتم، آن‌ها را به مدل‌هایی خطی تبدیل نمود. با چنین تغییری، می‌توان مدل شمارهٔ (۱) را به صورت مدل شماره (۲) بازنویسی نمود. لازم به یادآوری است در مقایسه با مدل‌های رگرسیون خطی، تفاوت مدل (۲) با مدل (۱) آن است که θ دارای توزیع نرمال نیست[۱].

$$Y = Ln(T), \qquad \theta = Ln(\varepsilon) \qquad (۲)$$

عمده‌ترین مدل‌های تبیین دورهٔبیکاری را می‌توان به مدل‌های لگ- نرمال[۲]، لگ- لجستیک[۳]، وایبل[۴] و مدل نمایی[۵] تقسیم نمود.

در حالت کلی می‌توان مدل مورد بررسی را به صورت مدل (۳) بازنویسی نمود که در آن: $\ln UD$: **لگاریتم دورهٔ بیکاری بر حسب ماه**، $\sum X_{it}$: **بردار متغیرهای توضیحی کمی**، $\sum_{j=1}^{m} D_j$: **بردار متغیرهای توضیحی مجازی و** ε_{it}: **جزء استوکاستیک یا تصادفی**[۶] است. در مجموع متغیرهای مورد بررسی شامل موارد ذیل است:

$$\ln UN = \alpha_0 + \sum_{i=1}^{n} X_i + \sum_{j=1}^{m} D_j + \varepsilon_{it} \qquad (۳)$$

۱ـ برای مطالعهٔ بیش‌تر در این زمینه به Hosmer and Lemeshow (1999) مراجعه نمائید.

2. log- normal 3. log-logistic 4. weibull
5. exponential 6. stochastic term

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

Age: سن افراد جویای کـار، Gender: جنـسیت، Marriage Statue: وضـعیت تأهـل، Child/ren: دارا بودن (نبودن) فرزند (فرزندان)، Family Size: تعداد افراد تحت تکفـل یـا بعد خانوار بیکاران جویای کار، Wife Job: شغل همسر بیکـار جویـای کـار، Education: وضعیت تحصیلی (دارا بودن یا عدم تحصیلات عالی) و Job Experience: تفکیک بیکاران جویای کار بر حسب تجربهٔ شغلی است. لازم به یادآوری است کـه عـلاوه بـر متغیرهـای مذکور، متغیرهای با اهمیت دیگری مانند دریافت بیمـهٔ بیکـاری نیـز علـی‌رغـم آن کـه در پرسش‌نامه قرارداده شده بود اما امکان اسـتفاده از آن در مـدل بـه دلایـل گونـاگون ماننـد عدم‌پاسخ‌گویی، عدم‌هم‌خوانی با سایر یافته‌ها، هم‌چنین تعداد اندک پاسخ در زیرگروه‌هـای سئوالات در مدل قرار نگرفته است.

یافته‌ها

نتایج تخمین (۳) با استفاده از مدل‌های لـگ–نرمـال، لـگ–لجـستیک، وایبـل و نمـایی در جدول شمارهٔ ۳ نشان داده شده است. ستون‌هـای اول، دوم و سـوم بـه‌ترتیـب نمایـان‌گـر نام‌متغیر، توضیح آن و تأثیر انتظاری متغیر بر دورهٔبیکاری است. سـن، جنـسیت، وضـعیت تأهل، فرزند، بعد خانوار، شغل همسر، وضعیت تحصیلی و تجربه شغلی متغیرهای اساسی و قابل دسترس در این پژوهش به عنوان عوامل مؤثر بر دورهٔ بیکاری ثبـت‌نـام‌شـدگان بـه عنوان بیکار جویای کار طی برنامهٔ سوم توسعه در اسـتان یـزد درنظـرگرفتـه شـده اسـت. همان‌گونه که جدول شمارهٔ ۳ نشان می‌دهد نتایج تخمین بـا اسـتفاده از روش‌هـای لـگ–نرمال، لگ–لجستیک، و وایبل نتایجی کاملاً مـشابه بـوده، در حـالی کـه در روش تخمـین نمایی تأثیر هیچ یک از متغیرهای در نظر گرفته شده جهت تخمین دوره بیکـاری معنـی‌دار نیست. این موضوع نمایان‌گر آن است که مدل‌های لـگ–نرمـال، لـگ–لجـستیک و وایبـل مدل‌های مناسبی جهت تبیین دورهٔ بیکاری است.[۱] نتایج تخمین هرسه مدل مبین آن اسـت

۱ـ مدل‌های لگ نرمال، لـگ لجـستیک، *وایبـل و نمـایی را مـی‌تـوان بـا* تـابع توزیـع احتمـال (Probability Density Function) و در نتیجهٔ تابع توزیع تجمعی (Cumulative Distribution Function) هر یک از یکدیگر متمایز نمود. در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

که بین سن ثبت‌نام‌شدگان به عنوان بیکارجویای‌کار و دورهٔبیکاری تأثیر مثبت و معنی‌داری وجود دارد و افزایش بعد خانوار، افزایش میزان تحصیلات و تجارب شغلی باعث تقلیل دورهٔ بیکاری می‌گردد. این در حالی است که بر خلاف انتظار، جنسیت، وضعیت تأهل، دارا بودن فرزند و شاغل بودن همسر تأثیر معنی‌داری را بر دورهٔ بیکاری نشان نمی‌دهد. این نتایج هنگامی‌که متغیرهایی که تأثیر معنی‌داری را در مدل اولیه نشان نداده نیز از مدل حذف گردیده‌اند[1] با اندکی تغییر به قوت خود باقی است (جدول شماره٤).

این میان، انتخاب هر مدل و برتری آن نسبت به دیگری به توانایی آن در بروز نتایجی مطابق انتظار و بر اساس تئوری‌های موجود در این زمینه و نیز سادگی آن بستگی دارد. به عنوان مثال، مدل لگ لجستیک و لگ نرمال مدل‌هایی بسیار مشابه‌اند، اما در مقایسه با مدل‌های لگ نرمال، مدل‌های لگ لجستیک از مفاهیم ریاضی ساده‌تری برخوردارند. برای مطالعهٔ بیش‌تر در این زمینه به Mario et al. (2003) و Tableman and Kim (2004) مراجعه شود.

تابع توزیع احتمال، $P(x)$، و تابع توزیع تجمعی، $D(x)$، برای توزیع‌های لگ- نرمال، لگ- لجستیک، *وایبل و نمایی به ترتیب عبارتست از:*

$$P(x) = \frac{1}{S\sqrt{2\pi}x} e^{-(\ln x - M)^2/(2S^2)} \qquad D(x) = \frac{1}{2}\left[1 + erf\left(\frac{\ln x - M}{S\sqrt{2}}\right)\right]$$

$$P(x) = \frac{e^{-(x-m)/b}}{b\left[\frac{1}{1+e^{-(x-m)/b}}\right]} \qquad D(x) = \frac{1}{1+e^{-(x-m)/b}}$$

$$P(x) = \alpha\beta^{-\alpha}x^{\alpha-1}e^{-(x/\beta)^{\alpha}} \qquad D(x) = 1 - e^{-(x/\beta)^{\alpha}}$$

$$P(x) = \hat{D}(x) = e^{-x} \qquad D(x) = 1 - e^{-x}$$

1 اصطلاحاً در ادبیات اقتصاد سنجی به مدلی که در آن متغیرهایی که از نظر آماری معنی‌دار نبوده حذف گردیده باشد Parsimonious Version اطلاق می‌شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

جدول شمارهٔ ۳: تأثیر متغیرهای مؤثر بر دورهٔ بیکاری بر اساس
مدل‌های لگ–نرمال، لگ–لجستیک، وایبل و نمایی
(مدل اولیه)

متغیر / توضیح متغیر / مدل تخمین		Expe.	لگ‌نرمال	لگ‌لجستیک	وایبل	نمایی
LnUD						
Age	سن (Age)	+	**+	**+	***+	
DM	جنسیت (Gender)	-				
DMAR	وضعیت تأهل (Marriage Statue)	-				
DChild	داشتن فرزند (Child/ren)	-				
DfamSize	بعد خانوار (Family Size)	-	***-	**-	***-	
DWifejob	اشتغال همسر (Wife Job)	-				
Dedu	وضعیت تحصیلی (Education)	-	*-	*-	**-	
Djobexp	تجربه شغلی (Job Experience)	-	***-	***-	***-	

※**: معنی‌دار در سطح ۹۹ درصد اطمینان، **: معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد اطمینان و *: معنی‌دار در سطح ۹۰ درصد اطمینان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

جدول شماره۴: تأثیر متغیرهای مؤثر بر دوره بیکاری بر اساس مدل‌های لگ–نرمال، لگ–لجستیک، وایبل و نمایی در مدل نهایی

Parsimonious Version

نام متغیر	توضیح متغیر	مدل تخمین	Expe.	لگ‌نرمال	لگ‌لجستیک	وایبل	نمایی
LnUD							
Age	(Age)	سن	+	***+	***+	***+	
DM	(Gender)	جنسیت	-				
DMAR	(Marriage Statue)	وضعیت تأهل	-				
DChild	(Child/ren)	داشتن فرزند	-				
DfamSize	(Family Size)	بعد خانوار	-	**-	*-	***-	
DWifejob	(Wife Job)	اشتغال همسر	+				
Dedu	(Education)	وضعیت تحصیلی	-	*-	*-	*-	
Djobexp	(Job Experience)	تجربه شغلی	-	***-	***-	***-	

***: معنی‌دار در سطح ۹۹ درصد اطمینان، **: معنی‌دار در سطح ۹۵ درصد اطمینان و *: معنی‌دار در سطح ۹۰ درصد اطمینان

تأثیر مثبت و معنی‌دار سن بر دورهٔ بیکاری نشان دهندهٔ آن است که چنان چه فرد جویای کار نتواند در دورهٔ جوانی به شغل موردنظر دست یابد گذشت زمان نه تنها مشکلی را حل نخواهد نمود بلکه با تغییرات سریعی که در بازار کار رخ می‌دهد افزایش سن باعث افزایش دورهٔ بیکاری خواهد گردید. مانند آن‌چه انتظار می‌رود، سه متغیر گستردگی بعد خانوار، سطوح مختلف تحصیلات آموزش عالی و دارا بودن تجربهٔ شغلی به صورتی معکوس و معنی‌دار بر دورهٔ بیکاری مؤثر است. نکتهٔ قابل‌توجه در این میان آن است که تحصیلات عالی می‌تواند باعث کاهش دورهٔ بیکاری گردد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، دورهٔ بیکاری تحت تأثیر جنسیت افراد نیست. این یافته در مقایسه با تمایز عمدهٔ نرخ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

بیکاری زنان و مردان می‌تواند نشان دهندهٔ لزوم تحلیل‌های مجزا برای دو موضوع دورهٔ بیکاری و نرخ بیکاری تلقی گردیده و از این‌رو می‌تواند حائز کمال اهمیت تلقی گردد. عدم تأثیر متغیرهایی مانند وضعیت تأهل، دارا بودن فرزند و اشتغال همسر بر دورهٔ بیکاری نیز می‌تواند مبین آن باشد که ثبت‌نام‌شدگان به عنوان بیکار جویای کار واقعاً بیکار نبوده و این افراد جویندگان شغلی بهترند. بر این اساس، بر خلاف انتظار متغیرهای اساسی فوق نتوانسته است بر دورهٔ بیکاری آن‌ها مؤثر باشد. این یافته با یافته‌های قبلی محقق[1] در تحلیل بیکاری استان یزد تطابق کامل دارد.

نتیجه‌گیری

بر اساس مبانی نظری موجود، عوامل مؤثر بر دورهٔ بیکاری به دو دستهٔ عوامل فردی و عوامل محیطی تقسیم می‌شود و ازاین‌رو نتایج و یافته‌های این پژوهش نیز با توجه به این‌دو دسته از عوامل قابل تفسیر بوده و می‌توان پیشنهادهای زیر را در راستای کاهش دورهٔ بیکاری ارائه نمود. نخست آن که سن جویندهٔ کار به عنوان عاملی فردی و تأثیرگذار بر دورهٔ بیکاری می‌تواند این دوره را تحت تأثیر قرار دهد. براساس نتایج این پژوهش، افزایش سن باعث می‌گردد تا دورهٔ بیکاری نیز افزایش یابد. این نتیجه مبین این مطلب است که فرد جویای‌کار با گذشت زمان و افزایش سن، از یک سو انگیزه‌های خود را برای جستجوی کار از دست داده و از سوی دیگر، با افزایش سن، تقاضا برای او در بازار کار نیز کاهش می‌یابد. این مورد، خصوصاً برای کارهایی که در آن شرط سنی وجود دارد کاملاً مصداق دارد. این موضوع می‌تواند بر اساس تئوری جنسیتی نیز توضیح داده شود چرا که با افزایش سن احتمال ازدواج، خصوصاً برای زنان افزایش یافته و با توجه به ویژگی‌های فرهنگ ایرانی این موضوع می‌تواند دورهٔ بیکاری را نیز افزایش دهد. رابطهٔ مثبت بین سن و دورهٔ بیکاری، هم‌چنین با

۱ـ برای مطالعهٔ بیش‌تر در این زمینه به طرح پژوهشی انجام شده توسط نویسنده با عنوان «کالبد شکافی بیکاری در استان یزد: بیم‌ها وامیدها» مراجعه گردد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

تئوری‌های ناهماهنگی در بازار کار قابل توجیه است، چـرا کـه افـزایش سـن باعـث کـاهش تحرک نیروی کار و تمایل بیش‌تر به ماندگاری در مکانی خاص خواهد گردید. این موضـوع نیز می‌تواند باعث افزایش دورهٔ بیکاری گردد. بر این اساس مهیا نمودن شغل بـرای جوانـان، حتی مشاغل موقتی، امری حتمی و ضروری است. این موضوع هنگامی‌که با دو نتیجـهٔ دیگـر این پژوهش یعنی تأثیر معکوس و معنی‌دار تجربهٔ شغلی و سطح تحصیلات آموزش‌عـالی بـر دورهٔ بیکاری تلفیق گردد، می‌تواند در بر گیرنـدهٔ سیاسـتی اساسـی در راسـتای کـاهش دورهٔ بیکاری تلقی گردد. علاوه بر آن و بر اساس یافته‌های ایـن پـژوهش، افـزایش آمـوزش دورهٔ بیکاری را کاهش می‌دهد. این نتیجه بر خلاف تئوری‌هایی است که معتقد است آموزش تنهـا باعث جابه جایی متقاضیان کار از کـارگران سـاده بـه کـارگران متخـصص و آمـوزش دیـده می‌شود. به عبارتی، نمی‌توان نقش آموزش را در کاهش دورهٔ بیکاری و دست‌یـابی بـه شـغل نادیده گرفت. این موضوع در مورد تجارب شغلی نیز صادق بوده و از این رو ایجـاد مـشاغل نیمه وقت، فصلی، دوره‌های کارآموزی و کارآفرینی، آموزش‌های فنی‌وحرفـه‌ای و ایجـاد هـر زمینه‌ای که باعث آشنایی بیش‌تر افراد جویای کار با زمینه‌های بازار کار گـردد، اگرچـه الزامـاً نمی‌تواند ایجادکنندهٔ شغلی دائمی برای فرد تلقی شود اما، می‌تواند زمینه را برای دسـت‌یـابی به شغل فراهم نموده و در نتیجه دورهٔ بیکاری را کاهش دهد. در نهایت، نکتهٔ دیگـری کـه از یافته‌های این پژوهش مشخص است آن است که دورهٔ بیکاری با افزایش بعد خانوار کـاهش می‌یابد. این نتیجه را مجدداً می‌توان با تئوری‌های جنسیتی در بازار کار تفسیر نمـود چـرا کـه افزایش بعد خانوار، سرپرست خانوار را به پذیرش مشاغلی که حتی می‌تواند با ویژگـی‌هـای فرهنگی و آموزشی فرد نیز تناسبی نداشته باشد، ترغیب و یا وادار نماید. موضوعی که بخشی از آن با تئوری جنسیتی در بازارکار و در نتیجهٔ پذیرش نقش مـردان بـه عنـوان تـأمین‌کننـدهٔ درآمد خانوار قابل تبیین است. با این وجود نمی‌توان تئوری‌جنسیتی در بازارکار را بـه عنـوان تئوری که بتواند تمامی تمایزات دورهٔ بیکاری را بین زنان و مردان توجیه نماید پذیرفت، چرا که نتایج این مطالعه نشان می‌دهد بین جنسیت فرد، وضعیت‌تأهل و یا داشـتن فرزنـد؛ و دورهٔ بیکاری رابطهٔ معنی‌داری وجود ندارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

منابع و مآخذ References

- حسینی‌پور، سید مجتبی؛ دهقانی‌زاده، مجید و نورالدینی، سید کمال‌الدین. (۱۳۸۲)، **بررسی و تحلیل روند تغییرات نرخ فعالیت و بیکاری در استان یزد طی سال‌های ۸۱-۱۳۷۵**، معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد، نشریه شماره ۴۱۸-۸۲.
- فیض‌پور، محمد علی. (۱۳۸٦)، **ترکیب جنسیتی و رشد اشتغال بنگاهی تعاونی**، مطالعات زنان، سال ۵، شماره ۲، صص ۵٤-۳۳.
- فیض‌پور، محمد علی و مکیان، سید نظام. (۱۳۸۵)، **کالبد شکافی بیکاری در استان یزد: بیم‌ها وامیدها**، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد.
- مرکز آمار ایران. (سال‌های ۱۳۸۵- ۱۳۷۵)، **سالنامه آماری کشور**، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- مرکز آمار ایران.
- http://www.sci.org.ir/content/userfiles/_sci/sci/SEL/ayamidan/1.html ، (۱۳۸۷)
- هادیان، ابراهیم. (۱۳۸٤)، **بررسی تأثیر آموزش افراد جویای کار بر طول دوره بیکاری آنها: مورد مطالعه شهرستان شیراز، مجله تحقیقات اقتصادی**، شماره ٦۹، صص ۲۳۹-۲۱۷.
- ولی‌زاده، رضا و خلیلی، محدثه. (۱۳۸۳)، **تحلیل ساختار اشتغال و بیکاری استان یزد طی سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲**، معاونت آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان یزد، نشریه شماره ۴۲۹-۸۳.
- Addison, J. T. & Portugal, P. (2004), How Does the Unemployment Insurance System Shape the Time Profile of Jobless Duration?, **Economics Letters**, Vol. 85, No. 2.
- Ahn, N. & Garcia-Perez, J. I. (2002), Unemployment Duration and Workers' Wage Aspirations in Spain, **Spanish Economic Review**, Vol. 4.
- Baffoe-Bonnie, J. & Ezeala-Harrison, F. (2005), Incidence and Duration of Unemployment Spells: Implications for the Male-Female Wage Differentials, **The Quarterly Review of Economics and Finance**, Vol. 45, No. 4-5.
- Brunello, G. (1991), **Mismatch in Japan**, Cambridge University Press.
- Carroll, N. (2004), Explaining Unemployment Duration in Australia, Discussion Paper, **Centre for Economic Policy Research**, NO. 483.
- CEPR (1990), **Mismatch and labour Mobility**, Cambridge University Press.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

References منابع و مآخذ

- Chi, W., Kidder, D. L. et al. (2002), **Gender Differences in the Impact of Unemployment Insurance Benefits on Displaced Workers**, Department of Economics, University of Aarhus.
- Choi, H. & Shin, D. (2002), Do Past Unemployment Spells Affect the Duration of Current Unemployment?,**Economics Letters**,Vol.77,No. 2.
- Crampton, G. R. (1999), **Chapter 39 Urban labour markets**.
- Dawkins, C. J., Shen, Q. et al. (2005), Race, Space, and Unemployment Duration, **Journal of Urban Economics**, Vol. 58, No. 1.
- Minford, P., P. Ashton, M. Peel, et al. (1985), **Unemployment, Cause and Cure**, Basil Blackwell.
- Feizpour, M. A. (2003), **Manufacturing Industrial Change and the Role of Small and Medium-Sized Enterprises in Iran**, Department of Economics. Newcastle upon Tyne, University of Newcastle upon Tyne.
- Fieldhouse, E. (1999), **Ethnic Minority Unemployment and Spatial Mismatch: the Case of London**, Urban Studies 36(9): 1569-1596.
- Foley, M. C. (1997), **Determinants of Unemployment Duration in Russia**, Center Discussion Peper, Economic Growth Center Yale University, No. 779.
- Follmann, D. A., Goldberg, M. S. et al. (1990), Personal Characteristics, Unemployment Insurance and the Duration of Unemployment, **Journal of Econometrics**, Vol. 45, No. 3.
- Franz, W. (1991), **Match and Mismatch on the German Labour Market**, Mismatch and Labour Mobility. F. P. Schioppa, Cambridge University Press.
- Genay, H. and P. Loungani (1997), Labor Market Fluctuations in Japan and the U.S: How Similar Are They?, **Economic_Perspectives** 21: 15-28.
- Gonzalo, M. T. & Saarela, J. (2000), Gender Differences in Exit Rates from Unemployment: Evidence from a Local Finnish Labour Market, **Finnish Economic Papers**, Vol. 13, No. 2.
- Hale, C. & Sabbagh, D. (1991), Testing the Relationship between Unemployment and Crime: a Methodological Comment and Empirical Analysis Using Time Series Data from England and Wales, **Journal of Research in Crime and Delinquency**, Vol. 28, No. 4.
- Holzer Harry J., Ihlanfeldt Keith R. and Sjoquist David L. (1994), Work, Search, and Travel among White and Black Youth, **Journal of Urban Economics** 35(3): 320-345.
- Hosmer, W. & Lemeshow, S. (1999), **Applied Survival Analysis: Regression Modeling of Time to Event Data, New York**, John Wiley and Sons.
- Houle, M. & Van Audenrode, M.(1995), Job Displacement, Wages, and Unemployment Duration in Canada, **Labour Economics**, Vol. 2, No. 1.
- Jackman, R., R. Layard and S. Savouri (1991), **Mismach and Labour Mobility**, Mismatch and Labour Mobility. F. P. Schioppa, Cambridge University Press.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

References منابع و مآخذ

- Kupets, O. (2006), Determinants of Unemployment Duration in Ukraine, **Journal of Comparative Economics Ukrainian Labor Market in Transition**, Vol. 34, No. 2.
- Lalla, M. & Pattarin, F. (2001), Unemployment Duration: An Analysis of Incomplete, Completed, and Multiple Spells in Emilia-Romagn, **Quality & Quantity**, Vol. 35.
- Lentz, R. & Trans, T. (2004), Marriage, Wealth, and Unemployment Duration: A Gender Asymmetry Puzzle, **IZA Discussion Paper**, No. 1607.
- Mario A. Cleves, William W. Gould, Roberto G. Guterrez (2003), **Stata press publication.**
- Miezite, E. & Pogrebnaja, J. (2003), Analysis of Unemployment Duration in Latvia: Differences between Urban and Rural Areas, **SSE Riga Working Papers**, Vol. 15, No. 50.
- Mills, B. F. (2001), Unemployment Duration in Non- Metropolitan Labor Markets, **Growth and Change**, Vol. 32.
- Pyle, D. & Deadman, D. (1994), Crime and unemployment in Scotland: Some Further Results, **Scottish Journal of Political Economy**, Vol. 41, No. 3.
- Reilly, B. & Witt, R. (1992), Crime and Unemployment in Scotland: An Econometric Analysis Using Regional Data, Scottish **Journal of Political Economy**, Vol. 39, No. 2.
- Rogers, C. L. (1997). Job Search and Unemployment Duration: Implications for the Spatial Mismatch Hypothesis, **Journal of Urban Economics** 42(1): 109-132.
- Shannon, M. & Kidd, M. P. (2000), Institutional Specifics and Unemployment Insurance Eligibility in Canada: How Sensitive Are Employment Duration Effects?, **Empirical Economics**, Vol. 25.
- Svarer, M., Rosholm, M. et al. (2003), Rent Control and Unemployment Duration, **IZA Discussion Paper**, No. 842.
- Tableman , Mara.; Kim, Jong Sung, (2004), **Survival Analysis Using Stata**, A CRC Press Company, Washington, D.C.
- Tansel, A. & Tasci, H. M. (2004), Determinants of Unemployment Duration for Men and Women in Turkey, **IZA Discussion Paper**, No. 1285.
- Taylor, J. (1989), **Mass Unemployment in the United Kingdom: An Analysis of Causes and Possible Cures**, Unemployment in Europe. M. J. a. C.
- Terracol, A. (2004), **Welfare Programs and Unemployment Duration in France**, Unpublished Preliminary Version, Available at: team.univ-aris1. fr/ teamperso / terracol / RMIChomEnglish. pdf, (2008).
- Terracol Antoine, (2009). Guaranteed Minimum Income and Unemployment Duration in France. **Labour Economics**. 16, 171- 182.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]